



بسم الله الرحمن الرحيم

## اعمال محدودیت برای فعالیت‌های شهروندان از سوی حکومت اسلامی

بحث در دخالت حکومت اسلامی در آزادی شهروندان و اعمال محدودیت برای اقداماتی همچون تجارت، صادرات، واردات و امثال این فعالیت‌ها است. بین فقها در این زمینه اختلاف وجود دارد که در مباحث پیشین، أدله هر دو قول مورد بررسی گرفته است. مرحوم آقای منتظری به دو مورد اشاره کرده اند که حاکم اسلامی به صورت حداقلی در امور شهروندان دخالت می‌کرده است. اما بحث حاضر در بررسی مواردی است که حاکم اسلامی در عین عدم وجود ضرورت، در امور شهروندان دخالت کرده و محدودیت‌هایی اعمال کرده باشد. بعد از ذکر این موارد، امکان اصطیاد قاعده کلی از این موارد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت که تا مشخص گردد که دخالت کردن حاکم شرعی اختصاص به موارد مذکور دارد و یا اینکه به صورت کلی حاکم شرع از این اختیار برخوردار است و در همه موارد می‌تواند به همین صورت عمل کند.

### تبیین موارد دخالت حاکم اسلامی در امور شهروندان بدون ضرورت

با تتبع در أدله شرعی می‌توان به مواردی دست یافت که حاکم شرعی بدون وجود ضرورت، در امور شهروندان دخالت کرده و برای فعالیت‌های آنان ایجاد محدودیت کرده است.

### الف: حق المازّه

یکی از مواردی که ممکن است از روایات استفاده شود که حکومت اسلامی<sup>۱</sup> در آنها دخالت کرده، حق المازّه است. حق المازّه به این معنا است که رهگذرانی که از کنار باغ‌های دارای میوه عبور می‌کنند، حق دارند از میوه‌های آن باغ‌ها استفاده کرده و بخورند. البته بر اساس حق المازّه، صرفاً امکان استفاده در همان مکان وجود دارد و رهگذران نمی‌توانند میوه‌های باغ‌ها را به همراه خود ببرند. نکته دیگر این است که رهگذران نباید در باغ‌ها فساد و خسارت ایجاد کنند. البته نکات تکمیلی و تبیین توسعه یا ضیق این بحث محل بحث حاضر نیست و باید در فقه مورد بررسی قرار گیرد.

اصل مطلب این است که بر اساس حق المازّه، تصرف در میوه‌ی باغ‌هایی که در مسیر راه قرار گرفته اند، برای رهگذران جایز است. اما باید جواز یا عدم دخالت حکومت اسلامی در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد؛ چون ممکن است برخی صاحبان باغ‌ها در اطراف باغ خود دیوارهای بلند بسازند و با ایجاد مانع برای رهگذران، آنان را از استفاده از میوه‌های باغ، محروم سازند. در این فرض باید حق داشتن حکومت اسلامی نسبت به اجبار صاحبان باغ، به باز کردن درب باغ یا خراب کردن دیوارها مورد بررسی قرار گیرد. یکی دیگر از محدودیت‌ها، جلوگیری حکومت اسلامی از ساختن دیوار در اطراف باغ است که همه این اقدامات منوط به جواز اعمال محدودیت برای حکومت اسلامی است. بنابراین نسبت به حق المازّه دو جهت برای بحث وجود دارد:

الف: اصل ثبوت حق المازّه

ب: حق داشتن حکومت اسلامی برای دخالت در اقدامات شهروندان به جهت محروم نشدن شهروندان از حق المازّه  
البته اعمال محدودیت در این زمینه در مورد چیزی است که عدم آن محدودیت، موجب ایجاد ضرورت بر شهروندان نمی‌شود.

۱. قدرمتیقن دخالت کردن امام معصوم علیه السلام است و در مرحله بعد باید شمول آن نسبت به فقیه مورد بررسی قرار گیرد.



## أدله حق المارّة

روایات متعددی در مورد اصل ثبوت حق المارّة نقل شده است. صاحب وسائل در چند باب به این روایات اشاره کرده است که بخشی از آنها در باب هشتم از ابواب بیع الثمار از کتاب التجاره نقل شده است.

## الف: روایت علی بن جعفر

عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَمُرُّ عَلَى ثَمَرَةٍ فَيَأْكُلُ مِنْهَا قَالَ نَعَمْ قَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ تُسْتَرَّ الْجَيْطَانُ بِرَفْعِ بَنَائِحِهَا.<sup>۱</sup>

در این روایت در مورد خوردن از میوه‌هایی که از آن گذر می‌شود، سوال شده است که امام کاظم علیه السلام این عمل را تجویز کرده‌اند. البته در این روایت به گذر از باغ اشاره نشده است بلکه مطلق میوه مطرح شده است که ممکن است میوه‌های چیده شده و موجود در مغازه‌ها هم را شامل بشود. اما با توجه به أدله دیگر، این روایت منصرف به میوه‌های موجود در باغ‌ها است. صاحب وسائل این روایت را از کتاب علی بن جعفر نقل کرده است. بر مبنای مرحوم آقای خویی و آیت الله وحید خراسانی، این روایت صحیح است؛ چون صاحب وسائل به کتاب علی بن جعفر طریق دارد و شیخ طوسی نیز در فهرست، طریق صحیح ذکر کرده است. البته شبهه‌ای وجود دارد که بر اساس آن روشن نیست که طریق شیخ طوسی به کتاب علی بن جعفر، به هر دو کتاب ایشان است و یا اینکه صرفاً به یکی از کتاب‌های ایشان است. به نظر ما روایاتی که صاحب وسائل از کتاب علی بن جعفر نقل کرده، دچار اشکال است؛ چون طرق صاحب وسائل تشریفاتی است و ارزشی ندارد.

## ب: مرسله ابن ابی عمیر

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الرَّجُلِ يَمُرُّ بِالنَّخْلِ وَالسُّبُلِ وَالثَّمَرِ فَيَجُوزُ لَهُ أَنْ يَأْكُلَ مِنْهَا مِنْ غَيْرِ إِذْنِ صَاحِبِهَا مِنْ ضَرُورَةٍ أَوْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ قَالَ لَا بَأْسَ.<sup>۲</sup>

در این روایت نیز از خوردن میوه‌های درختان، در حال عبور سوال شده است. این روایت این خصوصیت را دارد که در آن از فرض ضرورت و غیرضرورت سوال شده است و امام علیه السلام هر دو فرض را بدون اشکال دانسته‌اند؛ لذا کسی که در حال عبور می‌خواهد از میوه‌های باغ دیگری استفاده کند، حتی اگر گرسنه نباشد و توان خرید یا تهیه آن میوه‌ها را از طرق دیگر هم داشته باشد، می‌تواند از میوه‌های باغ دیگری استفاده کند.

این روایت از جمله مرسلات ابن ابی عمیر است که اگر مرسلات ایشان پذیرفته نشود، سند روایت دچار اشکال می‌شود. اما به نظر ما مرسلات ابن ابی عمیر معتبر است و در نتیجه روایت به لحاظ سندی معتبر است.

۱. وسائل الشیعة: ۱۸: ۲۲۶.

۲. همان.



### ج: روایت محمد بن مروان

وَعَنْهُ عَنْ أَبِي دَاوُدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَمْرٌ بِالشَّمْرَةِ فَأَكُلُ مِنْهَا قَالَ كُلْ وَ لَا تَحْمِلْ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الشُّجَارَ اشْتَرَوْهَا وَ نَقَدُوا أَمْوَالَهُمْ قَالَ اشْتَرَوْا مَا لَيْسَ لَهُمْ.<sup>۱</sup>

این روایت نیز به روشنی دلالت بر جواز استفاده از میوه‌های موجود در مسیر راه اشاره کرده است. البته در روایت تصریح شده است که صرفاً حق استفاده از میوه‌ها در همان مکان وجود دارد و نباید به جای دیگر منتقل گردد. در ذیل روایت از امام صادق علیه السلام سوال شده است که تاجران میوه‌های باغ را از صاحب آن به صورت سلف خریداری کرده‌اند و ثمن آن را نیز پرداخت کرده‌اند. در نتیجه میوه‌های موجود در آن باغ، اساساً ملک صاحب باغ نیست. سائل قصد داشته است همین مطلب را دلیل بر عدم جواز استفاده رهگذران قرار دهد. امام صادق علیه السلام در پاسخ به این مطلب فرموده‌اند: مقداری از میوه‌ها که معمولاً عابریان می‌خورند، اساساً ملک صاحبان باغ نیست و به تبع مال خریداران هم نیست بلکه برای رهگذران است و آنها گویا مال خودشان را می‌خورند. این روایت به لحاظ سند مرسل است. صاحب وسائل دو سند دیگر نیز برای این روایت ذکر کرده است که آن دو طریق نیز مرسل هستند.<sup>۲</sup> اما با توجه به اینکه روایات متعددی در این باب نقل شده است، وثوق به صدور ایجاد می‌شود.

### د: مرسله یونس بن عبدالرحمن

وَعَنْهُ<sup>۳</sup> عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَمُرُّ بِالبُسْتَانِ وَ قَدْ حِيطَ عَلَيْهِ أَوْ لَمْ يَحِطْ عَلَيْهِ هَلْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ ثَمَرِهِ وَ لَيْسَ يَحْمِلُهُ عَلَى الْأَكْلِ مِنْ ثَمَرِهِ إِلَّا الشَّهْوَةَ وَ لَهُ مَا يُغْنِيهِ عَنِ الْأَكْلِ مِنْ ثَمَرِهِ وَ هَلْ لَهُ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ جُوعٍ قَالَ لَا بَأْسَ أَنْ يَأْكُلَ وَ لَا يَحْمِلُهُ وَ لَا يُفْسِدُهُ.<sup>۴</sup>

در این روایت از خوردن از میوه‌های باغ در فرض وجود دیوار و یا عدم آن سوال شده است. نکته دیگر این است که عابر مجبور به خوردن نیست بلکه صرفاً میل به خوردن دارد. امام صادق علیه السلام خوردن را جایز دانسته‌اند. البته ایشان در این روایت نیز حمل کردن و فاسد کردن باغ را ممنوع دانسته‌اند.

۱. همان ۲۲۷.

۲. دو طریق ایشان این چنین است:

الف: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ

ب: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْمُحْمَدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْخَرَّازِ عَنْ أَبِي دَاوُدَ

۳. طبق باید این ضمیر به حسین بن سعید بازگردد؛ چون وقتی روش ایشان این گونه است که وقتی در ابتدای سند از ضمیر استفاده می‌کند، مرجع آن به سند ذکر شده در ابتدای روایت قبل بازگشت می‌کند و سندهایی که در ذیل روایت پیش مطرح شده، معیار نیستند الا اینکه در سندهای ذکر شده در ذیل روایت پیشین، از تعبیر «و باسناده» یا «ورواه» استفاده نکرده باشد بلکه مستقیماً نام صاحب کتاب مانند محمد بن الحسن را ذکر کند و عطف نکند. این در حالی است که در روایت محل بحث، در سندهای ذکر شده در ذیل روایت، عطف کرده است و لذا طبق قاعده نباید سندهای ذکر شده در ذیل معیار قرار گیرد و ضمیر «عنه» در روایت پنجم، به ابتدای روایت چهارم بازگشت کند. اما با مراجعه به کتاب تهذیب مشخص می‌شود که مرجع ضمیر، «محمد بن احمد بن یحیی» است و صاحب وسائل از ضابطه خود در اینجا تخلف کرده است.

۴. همان.



### ه: مرسله شیخ صدوق

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ ع مَنْ مَرَّ بِسَاتِيْنٍ فَلَا بَأْسَ بِأَنْ يَأْكُلَ مِنْ ثِمَارِهَا وَلَا يَحْمِلَ مِنْهَا شَيْئاً.<sup>۱</sup>

### و: روایت ابن ادريس

مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقَلَ مِنْ كِتَابِ مَسَائِلِ الرَّجَالِ وَكُتَابَتِهِمْ مَوْلَانَا أبا الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ع مِنْ مَسَائِلِ دَاوُدَ الصَّرْمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ دَخَلَ بُسْتَاناً أَيْكُلُ مِنَ الثَّمَرَةِ مِنْ غَيْرِ عِلْمِ صَاحِبِ الْبُسْتَانِ قَالَ نَعَمْ.<sup>۲</sup>

### ز: روایت عبدالله بن سنان

أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ بِالرَّجُلِ يَمُرُّ عَلَى الثَّمَرَةِ وَيَأْكُلُ مِنْهَا وَلَا يُفْسِدُ قَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ تُبْنَى الْحَيْطَانُ بِالْمَدِينَةِ- لِمَكَانِ الْمَاءِ قَالَ وَكَانَ إِذَا بَلَغَ نَحْلُهُ أَمَرَ بِالْحَيْطَانِ فَخُرِبَتْ لِمَكَانِ الْمَاءِ.<sup>۳</sup>

صاحب وسائل این روایت را از کتاب محاسن نقل کرده است که سند ذکر شده با مشکلی مواجه نیست، اما کتاب محاسن برای ما ثابت نیست. البته این روایت سند بهتری از شیخ کلینی دارد که صاحب وسائل این سند را در جلد ششم وسائل نقل کرده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ بِالرَّجُلِ يَمُرُّ عَلَى الثَّمَرَةِ وَيَأْكُلُ مِنْهَا وَلَا يُفْسِدُ قَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ تُبْنَى الْحَيْطَانُ بِالْمَدِينَةِ- لِمَكَانِ الْمَاءِ قَالَ وَكَانَ إِذَا بَلَغَ نَحْلُهُ أَمَرَ بِالْحَيْطَانِ فَخُرِقَتْ لِمَكَانِ الْمَاءِ.<sup>۴</sup>

تنها راوی که در سند این روایت دچار اشکال است، اسماعیل بن مرار است که وجوه عدیده ای برای توثیق ایشان وجود دارد. برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- ابن ولید بیان کرده است که همه روایات یونس بن عبدالرحمن به جز روایاتی که محمد بن عیسی از یونس نقل کرده، صحیح هستند. این تعبیر به این معنا است که روایاتی که غیر از طریق محمد بن عیسی بن عبید باشد، همه صحیح هستند و راویان آنها ثقات هستند. در نتیجه، اگر غیر از محمد بن عیسی بن عبید، روایتی به صورت تنها از یونس نقل کند، این روایت صحیح است. اسماعیل بن مرار از راویان یونس بن عبدالرحمن است و این تصحیح ابن ولید شامل آن می شود.
- در این وجه اشکال شده است که ابن ولید صرفاً در مورد روایات نقل شده از یونس، حکم به صحت کرده، اما راویان آن روایات را توثیق نکرده است. در نتیجه ممکن است در نظر ایشان صحیح بوده باشند ولی راویان آن روایات در نظر ما ثقة نباشند.

۱. همان ۲۲۸.

۲. همان ۲۲۹.

۳. همان.

۴. وسائل الشیعة ۹: ۲۰۳.



به نظر ما بعید نیست با توجه به اینکه ابن ولید علی الاطلاق تعبیر صحیح به کار برده، راویان ثقه بوده باشند؛ چون ابن ولید تک تک روایات را بررسی نکرده است تا صحت آنها را به دست بیاورد بلکه وثاقت راویان در نظر ایشان موجب شده است که حکم به صحت کند. از طرف دیگر بعید است که ابن ولید از باب اجتهاد و استنباط ثقه دانسته باشد.

۲- ابن ابی عمیر از اسماعیل بن مرار روایت نقل کرده است.

در مورد این وجه اشکال شده است که تنها در یک روایت است که ابن ابی عمیر از اسماعیل بن مرار روایت نقل کرده است و ظاهراً در این یک روایت هم اشتباه رخ داده است؛ چون در برخی نسخه‌ها ابن ابی عمیر وجود ندارد. به نظر ما این اشکال وارد است؛ چون اگرچه در کتاب کافی و در باب حج ابن ابی عمیر ذکر شده است، اما در تهذیب و استبصار بدون ابن ابی عمیر است، در حالی که تهذیب و استبصار از خود کافی نقل کرده‌اند. بنابراین نسخه‌ای که شیخ طوسی از کافی در اختیار داشته، ابن ابی عمیر را نداشته است. در نتیجه اثبات اینکه ابن ابی عمیر وجود داشته است، مشکل است و نمی‌توان روایت را تصحیح کرد.

۳- همه کتب و روایات یونس بن عبدالرحمن توسط اسماعیل بن مرار، صالح بن سندی و محمد بن عیسی بن عبید نقل شده است و همه به یک نسخه نقل کرده‌اند. بنابراین به تمامی کتب و روایات یونس بن عبدالرحمن سه نفر طریق دارند و شیخ طوسی هم اشاره نکرده است که نسخه‌ها با یکدیگر اختلاف دارند. با توجه به تعدد روایات و عدم وجود اختلاف، طبق حساب احتمالات اطمینان حاصل می‌شود که اسماعیل بن مرار از ضبط کافی برخوردار بوده است و اهل دروغ‌گویی هم نبوده است و الا در بین روایات متعدد، در نقل برخی از آنها دچار اشتباه می‌شد و یا خلاف واقع نقل می‌کرد.

اصل مطلب قابل توجه است، اما این شبهه وجود دارد که ممکن است کتبی که این راویان از آن نقل کرده‌اند، مشهور بوده و به جهت شهرت کتب، نتوانسته باشند که خلاف مطالب کتب نقل کنند.

## ح: روایت ابو الریبع شامی

[و محمد بن یعقوب] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع نَحْوَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ وَلَا يُفْسِدُ وَلَا يَحْمِلُ.<sup>۱</sup>

خالد بن جریر که در سند این روایت قرار گرفته، محل کلام است، اما جوهری برای توثیق ایشان قابل طرح است:

۱- مرحوم کشی از عیاشی تعبیر «کان صالحاً» را در مورد خالد بن جریر نقل کرده است.<sup>۲</sup> از طرف دیگر در مورد دروغ‌گو از تعبیر صالح استفاده نمی‌شود.

۲- جعفر بن بشیر از خالد بن جریر نقل روایت کرده است و مرحوم نجاشی در مورد جعفر بن بشیر از تعبیر «روی عن الثقات و رووا عنه»<sup>۳</sup> استفاده کرده است که دلالت بر ثقه بودن مشایخ جعفر بن بشیر می‌کند.

۱. وسائل الشیعة ۹: ۲۰۴.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ: سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحَسَنِ، عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ الَّذِي يَرَوِي عَنْهُ الْحَسَنُ بْنُ مَجْبُوبٍ فَقَالَ كَانَ مِنْ بَجِيلَةٍ وَكَانَ صَالِحًا. رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال، النص: ۳۴۶.

۳. رجال النجاشي ۱۱۹. این تعبیر علاوه بر جعفر بن بشیر، در مورد محمد بن اسماعیل زعفرانی نیز به کار برده شده است. رجال النجاشي ۳۴۵.



مرحوم آقای خویی و آیت الله سیستانی در این وجه اشکال کرده اند که مقصود از تعبیر «روی عن الثقات» این نیست که همه مروی عنه‌های جعفر بن بشیر ثقه بوده اند بلکه این عبارت اشاره به این مطلب است که در بسیاری از موارد ثقه بوده اند. در نتیجه شبهه مصداقیه رخ می‌دهد.

۳- راوی از خالد بن جریر، حسن بن محبوب است و حسن بن محبوب از اصحاب اجماع است که در مورد آنها برخی قائل شده اند که مروی عنه‌های اصحاب اجماع ثقات هستند.

۴- وقوع ایشان در کافی.

طبق یک وجه، وقوع در کافی موجب توثیق است. وجه دیگر حکم به صحت است که طبق هر دو وجه، روایت محل بحث قابل استناد خواهد بود.

ابوالربیع شامی<sup>۱</sup> نیز که در این روایت قرار گرفته، محل بحث است؛ چون دارای توثیق خاص نیست، اما وجوه عامی برای او قابل ذکر است:

۱- نقل اصحاب اجماع مانند عبدالله بن مسکان که بلاواسطه از او روایت نقل کرده است. حسن بن محبوب نیز با واسطه نقل روایت کرده است.

۲- ابوالربیع شامی در ابتدای سند فقیه قرار گرفته است. شیخ صدوق در مشیخه نیز به او طریق ذکر کرده است. اگر ادعا شود مقصود از تعبیر «جميع ما فيه مستخرج من كتب مشهوره عليه المعول و اليها المرجع»، افراد واقع شده در ابتدای سند باشد، مشخص می‌شود که کتاب ابوالربیع شامی از کتب محل رجوع بوده است و به آن اعتماد می‌شده است و اعتماد بر کتب، حاکی از وثاقت صاحبان آن است.

۳- واقع شدن در بین اصحاب امام صادق علیه السلام.

با پذیرش این وجوه، مشکل سند روایت حل می‌شود و در غیر این صورت با اشکال مواجه خواهد بود.

با توجه به مستفیضه بودن روایات ذکر شده، اثبات می‌شود که اصل حق الماره از نظر شرعی ثابت است. البته در روایات، عنوان مرور کردن ذکر شده است و لذا نباید رهگذران وارد باغ شوند و حرکت آنها نیز به گونه ای باشد که خصوص باغ را قصد نکرده باشند و الا مرور قصد نخواهد کرد.

### بررسی جواز دخالت حکومت اسلامی برای محروم نشدن شهروندان از حق الماره

تاکنون روشن شد که حق الماره ثابت است و در اصل این مطلب تردیدی وجود ندارد. اما در برخی روایات مطرح شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می‌داده اند که صاحبان باغ در اطراف باغ خود دیوار نکشند و اگر صاحبان باغ‌ها در اطراف باغ خود دیوار چیده باشند، دیوارهای اطراف باغ را خراب کنند و یا حداقل بلندی دیوار - که مانع از دسترسی به میوه های باغ است - را خراب کنند. در این زمینه به تعدادی از روایات اشاره می‌شود:

۱. نام ابوالربیع شامی به دو صورت نقل شده است. شیخ طوسی نام او را «خالد بن اوفی» ذکر کرده و نجاشی از تعبیر خلیل بن اوفی استفاده کرده است. رجال الطوسی ۱۳۴؛ رجال النجاشی ۱۵۳.



## الف: روایت عبدالله بن سنان

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ بِالرَّجُلِ يَمُرُّ عَلَى الثَّمَرَةِ وَ يَأْكُلُ مِنْهَا وَ لَا يُفْسِدُ قَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ تُبْنَى الْحِيطَانُ بِالْمَدِينَةِ - لِمَكَانِ الْمَاءَةِ قَالَ وَ كَانَ إِذَا بَلَغَ نَحْلُهُ أَمَرَ بِالْحِيطَانِ فَخُرِقَتْ لِمَكَانِ الْمَاءَةِ.<sup>۱</sup>

در ذیل این روایت اشاره شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از ساخت دیوار در اطراف باغ نهی کرده اند تا عابرین بتوانند از میوه‌ها استفاده کنند. این نهی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دخالت در امور و ایجاد محدودیت برای صاحبان باغ است؛ چون بر اساس این نهی دیگر آنها نمی‌توانند در اطراف باغ‌های خود که ملک آنها است، دیوار بکشند. در اینجا ممکن است شبهه‌ای مطرح شود که روشن نیست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دیگران را نهی کرده باشند بلکه ممکن است از کشیدن دیوار دور باغ‌های خودشان نهی کرده باشد. در این صورت حکم شرعی استفاده نمی‌شود؛ چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواسته‌اند که دیگران از باغ ایشان استفاده کنند.

## ب: مرسله علی بن محمد قاسانی

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسَانِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ص إِذَا بَلَغَتِ الثَّمَارُ أَمَرَ بِالْحِيطَانِ فُتْلِمَتْ.<sup>۲</sup>

در این روایت نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان رسیدن میوه‌ها، دستور می‌دادند که دیوارهای باغ را سوراخ کنند تا مردم بتوانند به میوه‌ها دسترسی داشته باشند. این روایت به لحاظ سندی مرسله است و از نظر دلالتی نیز با این شبهه مواجه است که روشن نیست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به همه مردم امر می‌کرده‌اند بلکه ممکن است مربوط به باغ‌های خود ایشان بوده است.

## ج: روایت علی بن جعفر

عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَمُرُّ عَلَى ثَمَرَةٍ فَيَأْكُلُ مِنْهَا قَالَ نَعَمْ قَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ تُسْتَرَّ الْحِيطَانُ بِرَفْعِ بَنَائِهَا.<sup>۳</sup>

بر اساس این روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نهی کرده‌اند که دیوارهای باغ به مقداری بالا برده شود که مانع از دسترسی به باغها گردد. این روایت نیز روشن نیست که مربوط به باغ‌های همه مردم بوده باشد.

۱. وسائل الشیعة ۹: ۲۰۳.

۲. وسائل الشیعة ۹: ۲۰۴.

۳. وسائل الشیعة ۱۸: ۲۲۶.





## د: روایت مسعدة بن زیاد

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ مِنَ الْفَاكِهَةِ وَالرُّطْبِ مِمَّا هُوَ لَهُمْ حَلَالٌ فَقَالَ لَا يَأْكُلُ أَحَدٌ إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ وَلَا يُفْسِدُ إِذَا كَانَ عَلَيْهَا فَنَاءٌ مُحَاطٌ وَ مِنْ أَجْلِ الضَّرُورَةِ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص - أَنْ يُبْنَى عَلَى حَدَائِقِ النَّخْلِ وَالشَّمَارِ بِنَاءً لِكَيْ يَأْكُلَ مِنْهَا كُلُّ أَحَدٍ.<sup>۱</sup>

در این روایت جواز استفاده از میوه باغ‌های دیگران منوط به وجود ضرورت شده است. اما با توجه به اینکه سایر روایات نص در جواز استفاده در فرض عدم اضطرار هستند، این روایت حمل بر کراهت شده است.

در ذیل این روایت اشاره شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نهی کرده اند که در باغ‌های خرما و میوه دیوار ساخته شود تا برای دیگران امکان خوردن وجود داشته باشد.

در این روایت به صورت کلی بیان شده است که نهی پیامبر صلی الله علیه و آله بر باغ‌های نخل و میوه بوده است. از طرف دیگر بعید است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باغ‌های خرما و میوه داشته و از ساخت دیوار نهی کرده باشد. در تاریخ هم نقل نشده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه باغ‌های نخل و میوه داشته باشند. در نتیجه اگر ظهور روایت در همه باغ‌ها پذیرفته شود، شامل همه مردم خواهد شد و الا این روایت نیز با اشکال سایر روایت خواهد بود.

شبهه سندی در روایت این است که کتاب قرب الاسناد برای ما ثابت نیست و الا سند آن قابل پذیرش است.

## ه: روایت عبدالله بن سنان

أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ بِالرَّجُلِ يَمُرُّ عَلَى الثَّمَرَةِ وَيَأْكُلُ مِنْهَا وَلَا يُفْسِدُ قَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ تُبْنَى الْحَيْطَانُ بِالْمَدِينَةِ - لِمَكَانِ الْمَازَةِ قَالَ وَ كَانَ إِذَا بَلَغَ نَحْلُهُ أَمَرَ بِالْحَيْطَانِ فَخَرَّبَتْ لِمَكَانِ الْمَازَةِ.<sup>۲</sup>

در این روایت علاوه بر نهی کردن پیامبر صلی الله علیه و آله از ساختن دیوار بر باغ‌ها، بیان شده است که زمانی که نخل‌های ایشان می‌رسیده است، امر می‌کرده اند که به جهت دسترسی داشتن رهگذران، دیوارهای باغ‌ها خراب شود. با توجه به این ذیل مشخص می‌شود که نهی از ساختن دیوارها مربوط به مردم بوده است. اما باغ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دیوار داشته است و در زمان رسیدن میوه‌ها خراب می‌کرده است.

اگر از مجموع روایات استفاده شود که مقصود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این بوده است که دیگران برای باغ‌های خود دیوار نسازند و اگر دیوار ساخته اند، خراب کنند، حکم کلی استفاده می‌شود. اما اگر ادعا شود که روایات مجمل هستند و محتمل است که مربوط به باغ‌های خود ایشان بوده باشد، اثبات نمی‌شود که حق المازة از مواردی است که حاکم می‌تواند برای شهروندان محدودیت ایجاد کند.

بنابراین حق المازة ثابت است و حق شرعی است، اما این گونه نیست که حاکم شرعی بتواند برای جلوگیری از بین رفتن این حق، در امور شهروندان دخالت کرده و اعمال محدودیت کند. علاوه بر اینکه فرضاً نهی کردن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مربوط به همه شهروندان بوده باشد، ممکن است اشکال شود که اعمال محدودیت از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای خصوص رفاه حال شهروندان نبوده است

۱. وسائل الشیعة ۱۸: ۲۲۹.

۲. وسائل الشیعة ۱۸: ۲۲۹.





درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: اعمال محدودیت بر فعالیت‌های شهروندان توسط حکومت اسلامی تاریخ: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵  
استاد: علی عندلیبی دام‌ظله

بلکه محتمل است به این جهت بوده باشد که دیوار کشیدن دور باغ‌ها، موجب تضییع حقوق دیگران بوده و مانع از حق رهگذران می‌شده است؛ یعنی اگرچه رهگذران از میوه‌ها استفاده نکنند، دچار مشکل نمی‌شوند، اما به هر حال وقتی اطراف باغ دیوار کشیده می‌شود، برای دیگران ایجاد مانع کرده و حق او را تضییع می‌کند و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از باب نهی از منکر صاحبان باغ‌ها را نهی کرده باشد. با توجه به این شبهه، روایات ذکر شده، از موارد اعمال محدودیت به دلیل مصالح شهروندان خارج می‌شود. بنابراین نهی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از باب اعمال ولایت نبوده است.

شبهه دیگر این است که فرضاً اشکالات پیشین پاسخ داده شود، اعمال ولایت و محدودیت از سوی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله صورت گرفته است و از روایات استفاده نمی‌شود که این مقدار اعمال محدودیت برای هر والی و حاکم حتی حاکمی که نائب خاص ایشان است، جایز باشد؛ چون محتمل است که این اعمال محدودیت‌ها، از باب حاکم شرعی بودن ایشان نبوده باشد بلکه به جهت اولویتی باشد که خدای متعال برای ایشان نسبت به مؤمنین قرار داده است.

بنابراین جواز اعمال محدودیت در باب حق الماره محل تأمل و اشکال است.